

پن تریزم

وسر نوشت تاریخی تاجیکان

نویسنده

پروفیسور محمد خان شکوری بخارایی

مقدمہ، تصحیح، تحقیق و توضیح

دکتر مصطفی باباخانی



نشریات ایران

سرشناسه	: شکوروف، محمدجان، ۱۹۲۶-۲۰۱۲ م.
عنوان و نام پدیدآور	: پَن‌تُرکیزم و سرنوشت تاریخی تاجیکان / نویسنده محمدجان شکوری بُخارایی - مقدمه، تصحیح، تحقیق و توضیح: مصطفی باباخانی
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۳۹۹
مشخصات ظاهری	: ۴۵۴ ص.
شابک	: ۲ - ۸۴۵ - ۲۳۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیفا
موضوع	: پان‌ترکیسم - تاجیکان - هویت قومی - بخارا (خان‌نشین)
موضوع	: Pan-Turanianism- Tajiks- Ethnic identity- Khanate of Bukhara
موضوع	: ازبکستان - سیاست و حکومت - قرن ۲۰ م.
موضوع	: Uzbekistan- Politics and government- 20 th century
شناسه افزوده	: باباخانی، مصطفی، ۱۳۵۶
رده‌بندی کنگره	: DS ۲۶
رده‌بندی دیویی	: ۳۲۰ / ۵۴۰۰۶۱
شماره کتابخانه ملی	: ۳۶۰۸۱



پَن‌تُرکیزم و سرنوشت تاریخی تاجیکان

نویسنده: پروفسور محمدجان شکوری بخارایی

مقدمه، تصحیح، تحقیق و توضیح: دکتر مصطفی باباخانی

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۳۹۹

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

۹۵۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان وحید نظری

نرسیده به خیابان منیری جاوید، پلاک ۱۰۵، واحد ۳، تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

ایمیل: Arvannashr@yahoo.com وبسایت: www.Arvanashr.ir

فهرست مطالب

۹	مقدمه مصحح
۱۷	مانند بخارا
۱۹	چهره ماندگار استاد غم‌دل شکوری بخارایی
۳۷	سعد اکبر علم و فرهنگ، جیب
۵۷	سرسخن نگارنده
۵۹	فتنه انقلاب در بخارا
۱۸۱	[یادداشتی بر «نامه به م. س. گورباچف»]
۱۸۳	نامه به م. س. گورباچف
۲۰۱	آن چی با تیر ناانصافی تراش خورده است
۲۵۳	عباس علی اف
۲۹۵	بخارا هیچ‌گاه وطنِ تُرکان نبود!
۳۰۵	دُرستی‌ها اساس آشنایی است
۳۴۵	اگر به ترازوی انصاف بسنجیم
۳۶۹	بیا، تا ز بیداد شویم دست!
۳۷۷	تاجیکان فرارود در آستانه عصر امید
۴۰۵	فهرست لغات، ترکیبات، تعبیرات و اصطلاحات
۴۳۹	کتابنامه
۴۴۱	نمایه

مقدمه مصحح

یکی از خوشبختی‌های زندگی من این است که با زنده‌یاد آکادمیسین محمدجان شکوری بخارایی آشنا شدم و با وی دوستی و همنشینی داشتم، از محضر پُرفیض بهره‌ها برده‌ام و اگرچه رسماً شاگرد وی نبوده‌ام، بسیار چیزها از ایشان آموخته‌ام و خود را شاگردان وی دانم.

استاد شکوری بخارایی، شخصیتی فرهیخته و دانشمند و بزرگوار بودند؛ درحقیقت، با توجه به شخصیت و منش که ایشان داشتند و فعالیت‌های علمی و فرهنگی‌ای که کرده بودند و جایگاه اجتماعی والایی که داشتند، نمودی از کهن‌الگوی پیرِ فرزانه فارسی‌زبانان جهان در دورهٔ اخیر را شمار می‌آمدند. از آنجاکه این جانب پیش از این، کتاب صدرالدین عینی ایشان را تصحیح و منتشر کرده‌ام (تهران: آرزو، ۱۳۹۵) و در مقدمهٔ آن، دربارهٔ این دانشی‌مرد بزرگ مطالبی نوشته‌ام، در اینجا سخنی نمی‌گویم. به‌ویژه اینکه در کتاب پیش رو، دو مقالهٔ علمی مفصل از دکتر عبدالخالق نبوی و زنده‌یاد دکتر پیوند گل‌مراد و یادداشتی کوتاه از خانم دکتر انظورت ملک‌زاد از حال و روزگار و کارهای علمی و فرهنگی استاد شکوری بخارایی وجود دارد که خوانندگان را بدان‌ها ارجاع می‌دهم.

چند ماهی بعد از درگذشت استاد شکوری بخارایی در نوروز ۱۳۶۱ که به تاجیکستان رفته بودم، یک روز صبح، به همراه دوست بزرگوارم آقای دکتر شمس‌الدین صالح‌اف که از شاگردان نزدیک استاد شکوری بخارایی بودند، برای عرض ادب و ادای احترام و دیدار با همسر استاد، خانم دکتر دل‌افروز اِکرامی به خانهٔ ایشان رفتیم. در این نشست، خانم اِکرامی با سوز و گداز و اشک و آه، بسیار سخنها از استاد و دوران بیماری وی و مصیبت درگذشتشان برای ما گفتند؛ ازجمله دربارهٔ کتاب پَن‌ترکیزم و سرنوشت تاریخی تاجیکان که در روزهای بستری بودن استاد زیر

چاپ بود و استاد پیوسته از آن می‌پرسید و هنگامی که کتاب به دستشان رسید چگونه بر سینه‌شان گذاشتند و... سخن می‌گفت و اینکه در همین روزها هم استاد بدردِ حیات گفتند و چشم از جهان فرو بستند. من که برای دیدن این کتاب پُرارزش بسیار ذوق‌زده شده بودم، خانمِ اِکرامی محبت کردند و یک نسخه از آن را آوردند و به بنده هدیه دادند.

از همان لحظه که این کتاب به دستم رسید به فکر برگردان آن به الفبای فارسی و چاپ آن در ایران بودم، اما کارها و گرفتاری‌های دیگر مانع می‌شدند؛ تا اینکه در سال ۱۳۸۶ که مقیم تاجیکستان بودم، یک روز در پژوهشگاه رودکی تاجیکستان با فرزند ارشد استاد شکوری بخارایی پروفیسور شریف شکوراف که از مسکو آمده بود، دیدار کردم. ر. آنج. استادانم دکتر عبدالخالق نبوی و پروفیسور روشن رحمانی حضور داشتند و مرا به ایشال معرفی نمودند و از کتاب صدرالدین عینی استاد که در ایران چاپ کرده بودم، سخن گفتند. در همان جا تمایل خود را برای برگردان و چاپ کتاب پن ترکیزم و سرنوشت تاریخی تاجیکان با ایشان در میان نهادم و گفتم اگر اجازه دهید، بنده این کار را انجام می‌دهم. ایشال هم با لطف و محبت بسیار مرا پذیرا شدند و اجازه فرمودند و سفارش کردند که فایل الکترونی آن را ناشر کتاب در اختیارم بگذارد. فایل الکترونی این کتاب را استاد پروفیسور روشن رحمانی از طریق فرزندشان آرزو جان که در انتشارات ادیب کار می‌کنند، دریافت نمودند و به بنده دادند.

کتاب پن ترکیزم و سرنوشت تاریخی تاجیکان را انتشارات ادیب در سال ۲۰۱۲ م، در دوشنبه به الفبای سیرلیک منتشر کرده است. در واقع، این کتاب، تنها یک بار در تاجیکستان منتشر شده است. اساس کار من در برگردان از سیرلیک به فارسی و تصحیح و ویرایش آن هم همین چاپ بوده است. فایل الکترونیکی این متن را نخست از طریق نرم‌افزار برگردان متن زنده‌یاد عبدالرحیم بهروزیان که در سایت پژوهشگاه فرهنگ فارسی - تاجیکی سفارت جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان برای استفاده عموم گذاشته‌اند، به خط فارسی برگردان نمودم؛ سپس بر اساس همان متن سیرلیک، کار تصحیح و ویرایش را در پیش گرفتم. متن برگردان‌شده توسط نرم‌افزار، خود

خطاهای زیادی داشت که در حین ویرایش برطرف نمودم. به دلیل اینکه استاد شکوری بخارایی یکی از نویسندگان زبردست تاجیک بودند و کوشش‌های فراوانی برای حفظ و پیرایش زبان فارسی داشته‌اند و خود از فعالان حوزه واژه‌گزینی بوده‌اند، اصل متن نوشته ایشان را در شکل فارسی عیناً حفظ کرده‌ام تا خوانندگان و علاقه‌مندان پژوهشگران، نمونه‌ای خوب از نثر معاصر فارسی به سبک ماوراءالنهری را پیش چشم داشته باشند. برای بهتر و درست‌تر و راحت‌تر خواندن متن و نیز آشنایی با طرز خوانش تاجیکی بسیاری از واژه‌ها، کوشش شده است تا با حرکت‌گذاری کلمات و علامت‌گذاری دقیق، این عرصه حاصل آید. همچنین در همین زمینه، واژه‌ها و تعبیرات و اصطلاحاتی را که ممکن است برای خواننده دشوار و یا ناآشنا باشند، در پاورقی‌ها آورده و توضیح داده‌ام. فهرستی از واژگان و عبارات و اصطلاحات را به‌صورت الفبایی در پایان کتاب آورده‌ام که در اصل همان مطالب پاورقی‌هاست که به‌صورت الفبایی در پایان کتاب تنظیم شده است، اما برای آشنایی بهتر و راحت‌تر و سریع‌تر از آن استفاده کرد، بر روی همین فهرست نیز کار صورت گرفته و مدخل‌های گوناگون استخراج شده و در این شکلی که می‌بینیم تنظیم یافته است. این فهرست، جدای از کتاب، خود می‌تواند همچون فرهنگ و لغت‌نامه مورد استفاده قرار گیرد.

درباره رسم‌الخط و املاي کلمات هم باید بگویم. متن را بر اساس املاي منتخب فرهنگستان زبان و ادب فارسی تصحیح و ویرایش کرده‌ام. البته امانت متن کاملاً حفظ شده و هیچ دخل و تصرفی در آن صورت نگرفته است. در بسیاری از جاهای متن، مؤلف کلمات و عبارات و حتی بندهای از منابع روسی را نقل کرده است که البته بعضی جاها را ترجمه کرده و بسیاری جاها هم بدون ترجمه باقی مانده بودند. در متن فارسی، به سبب اینکه متن روسی برای خوانندگان لازم نمی‌نمود، همه جا حذف گردیدند. اما درخصوص ترجمه این عبارت‌ها و بندهایی که حذف کردیم، باید گفت که هر جا را که مؤلف خود ترجمه کرده بود، عیناً متن ترجمه‌شده که وافی به مقصود بود باقی ماند و هر جا را هم ترجمه نکرده بود، دوستان تاجیک مسلط به زبان روسی آن قسمت‌ها را ترجمه کردند و جایگزین کردیم. جاهایی هم مؤلف ترجمه‌هایی را در مقاله‌های دیگر به دست داده بود که با ذکر منبع

از آنجا به این متن وارد نمودیم. کلمه‌های روسی را هم که مؤلف در متن استفاده کرده‌اند، با نشان دادن خوانش دُرُستشان حفظ نموده و در پاورقی آنها را معنی کرده‌ایم.

در چاپ سیرلیک کتاب، متن نامه‌ای که استاد شکوری بخارایی به همراه دوازده تن از روشنفکران تاجیک به گورباچف نوشته بودند، به زبان روسی آمده است. این نامه، پیوست‌های گوناگونی هم دارد که همه به زبان روسی است. در شکل فارسی، اصل نامه را با ترجمه آقای ابراهیم دوستعلی‌زاده آورده‌ایم و پیوست‌ها را حذف نمودیم. این پیوست‌ها همه مواد و اسناد و مدارکی است که استاد شکوری بخارایی برای روشن کردن برخی نگرانی‌های از تاریخ تاجیکان و اثبات حقوق از دست رفته آنان از کتاب‌ها و مقاله‌ها و منابع و بایگانی‌ها گرد آورده بوده است. شایسته یادآوری است که استاد شکوری بخارایی اساس این نامه و پیوست‌های آن، مقاله‌ای با نام «آن چی به تَبَرِ ناانصافی تراش خورده است» نوشته که پس از نامه در این کتاب درج گردیده است. بنابراین، حذف این پیوست‌ها هیچ نقص و کمبودی در مطالب کتاب و آنچه مؤلف به دنبال شرح و بیان آن است، ایجاد نمی‌آورد. قابل ذکر است که خانم دکتر انظورت ملک‌زاد یادداشتی بر این ترجمه نامه استاد شکوری به گورباچف نوشته‌اند و روند کار را توضیح داده‌اند؛ همچنین مطالب خواننده کوتاهی هم درباره خود استاد شکوری نوشته‌اند که در همان جا درج گردیده است. در بیان نامه هم توضیحات روشنگرانه‌ای درباره این نامه و قضایای مرتبط با آن از استاد شکوری بخارایی به زبان فارسی آمده است که در متن فارسی کتاب هم عیناً بر جای مانده و نظم موجود در چاپ سیرلیک، حفظ گردید.

در چاپ سیرلیک کتاب، افزون بر نوشته‌های استاد شکوری بخارایی، مقاله‌ای با نام «سعد اکبرِ علم و فرهنگ تاجیک» از دکتر پیوند گل‌مُراد آمده که در ابتدای کتاب درج گردیده است. زنده یاد دکتر پیوند گل‌مُراد از مُخلصان و دوستان بسیار نزدیک استاد شکوری بخارایی بودند و پیوسته در خدمت استاد بودند؛ چنان‌که هرگاه به خانه استاد می‌رفتیم، ایشان همچون عضوی از خانواده استاد خود از میهمانان پذیرایی می‌کردند. وی شخصیتی فرهیخته و دانشمند و درعین حال، بسیار متواضع و باوقار و

دوست‌داشتنی بودند و منشی بسیار آرام و باطمأنینه داشتند. کارهای ویرایش و چاپ و پیگیری‌های کتاب *پن‌ترکیزم و سرنوشت تاریخی تاجیکان* را هم گلم‌راد به عهده گرفته بودند؛ چنان‌که در آغاز کتاب هم نام ایشان به‌عنوان «محرر مسئول» درج گردیده است. «سعد اکبر علم و فرهنگ تاجیک»، مقاله علمی مفصلی است که تمام حیات و فعالیت‌های استاد شکوری بخارایی را تا روزهای پیش از وفاتش که کتاب *پن‌ترکیزم و سرنوشت تاریخی تاجیکان* چاپ می‌شود، دربر گرفته است. در چاپ فارسی کتاب هم این مقاله - البته با ویرایش و در برخی جای‌ها بازنویسی - بر پایه همان نظم چاپ سرلیک آمده است.

در چاپ فارسی کتاب *تذکره‌ای* هم از استاد دکتر عبدالخالق نبوی با نام «چهره ماندگار استاد محمدجواد شکوری بخارایی» درج گردیده است. این مقاله در اصل در سال ۲۰۱۶ م. در نشریه/ادبیات و صنعت تاجیکستان چاپ شده بوده است. نظر به اینکه استاد نبوی در جریان تصحیح و ویرایش و به چاپ آماده کردن کتاب به فارسی قرار داشتند و پیوسته پاسخگوی پرسش‌ها می‌بودند و مرا یاری می‌فرمودند، از ایشان خواهش کردم که اگر مطلبی درباره استاد شکوری دارند، بدهند تا در آغاز کتاب درج نمایم. ایشان هم لطف کردند و این مقاله را فرستادند. توجه به اینکه استاد نبوی از شاگردان نزدیک، بااستعداد و شایسته استاد شکوری بوده است، با تمام آثار و فعالیت‌های علمی و فرهنگی و جریان‌هایی که ایشان با آن مرتبط بودند، آشنا بود و اشراف داشت. به‌ویژه استاد نبوی از منتقدان جدی ادبیات به‌شمار می‌رفت و در نقد ادبی معاصر تاجیک دیدگاه‌های نو و سخن‌های تازه‌ای دارند، مقاله‌ای که درباره استاد شکوری هم نوشته‌اند، علمی و خواندنی و آموزنده است. شکل فارسی این مقاله را هم با بازنویسی و ویرایشی جدید در ابتدای کتاب آورده‌ایم.

پس از مقاله دکتر نبوی، شعری را با نام «مانند بخارا» اثر طبع زنده‌یاد عبدالله رحمان از شاعران معاصر تاجیک که در مدح استاد شکوری بخارایی سروده است، آورده‌ایم. این شعر را خانم دکتر انظورت ملک‌زاد محبت کردند و به انضمام چند جمله‌ای در شرح حال شاعر برایم فرستادند.